

## نامه‌ای سرگشاده به اسماعیل بخشی

کوتاه به جای مقدمه: در آخرین ساعات شامگاه ۲۰ شهریور ۹۸، نامه‌ای سرگشاده رو به «ابراهیم رئیسی» منتشر شد که امضای اسماعیل بخشی را (به همراه محمود بهشتی و امیرسالار داوودی) پای خود داشت. با گذشت یک روز و نیم، تا این لحظه تکذیبیه‌ای منتشر نشد؛ بنابراین به عنوان یکی از حامیان اسماعیل بخشی خود را ملزم و مسئول به یادآوری چند نکته رفیقانه می‌کنیم تا باشد که از پشت دیوار بلند زندان به دستش برسد.

\*\*\*

### بخشی عزیز!

اسماعیل، اسماعیل شد، چون جنبش کارگری این مقام نمایندگی را به امانت به او واگذار کرد. «اسماعیل» از جنبش کارگری اعتبار گرفت و این اعتبار را هم با ثبات قدم، اولویت منافع جمعی به فرد، جسارت و فداکاری و انبوهی از خصوصیات فردی اش ارتقا داد. چشم هزاران کارگر از سراسر کشور که صدای خودشان را در فریاد او و صداها نفر دیگر از کارگران هفت‌تپه پیدا کردند، به سمت او است. صدایی که درباره دولت و کارفرمایان می‌گفت: «ما به آن‌ها احتیاجی نداریم، آن‌ها به ما احتیاج دارند».

صدایی که ترس بر سر تا پای جبهه بالایی‌ها انداخت. این همه بگیر و ببند و این همه رقابت توأمان جناحی برای مصادره مبارزات کارگران، محصول همین ترس است. رسانه‌هایی که تا دیروز عطسه این یا آن مقام دولتی و شاهزاده و آقازاده و امثالهم تیتیر یک اخبارشان بود، ۹ ماه تمام است به طمع این مصادره و یارکشی، مرکز توجه خود را کرده‌اند اخبار کارگری. اینست تأثیری که هفت‌تپه بر تغییر معادلات گذاشت!

اگر جناح‌های مختلف حاکمیت امروز از رسیدگی به تو و سایر کارگران دم می‌زنند، فقط به آن خاطر است که اعتبارت را برای گرم کردن تنور به اصطلاح «انتخابات» شان نیاز دارند.

آنانی که بر قدرتند با همان لبی که بوسه بر دست کارگر می‌زنند، فرمان شلاق و حبس هم می‌دهند. آنانی هم که به دنبال قدرتند، طومار «رفراندوم» و امضا جمع کردند و به حاکمیت پند دادند که: «تا دیر نشده تغییری حاصل کنید، توده‌ها در جوش و خروشند!»

اینست ریشه‌ای که هفت‌تپه بر اندام بالایی‌ها انداخت.

اگر بدانی چه بسیار چشمانی از جبهه پایینی‌ها و بالایی‌ها به تو خیره شده، می‌دید می‌بینی خطای محاسباتی‌ات می‌تواند کیلومترها تبعات و جابه‌جایی سیاسی و طبقاتی با خود از پی بیاورد. اگر می‌دانستی در همین روزهایی که کارگران هفت‌تپه زیر بدترین فشار امنیتی هستند، چه انرژی تبلیغاتی کاذبی صرف دوختن دروغ «عدالتخواهی» به ردای «ابراهیم رئیسی» در هفت‌تپه شده، آن وقت تردید نمی‌کردی که کوچکترین اشاره مشروط تو به «مسیر عدالت و انصاف» هم صرف سوخت و ساز کمپین تبلیغاتی آن‌ها می‌شود.

اسماعیل عزیز؛ این بازی هم همان بازی «افشار» و «رستمی» و «بیگی»‌ها است، اما در مقیاسی عظیم‌تر و با این تفاوت که این بار بازیگرانش هزار برابر گنده‌ترند. قواعد بازی اما یکی است: می‌زنم و می‌کشم، اما اگر هم مجبور شوم با یک دست امتیاز می‌دهم ولی با دست دیگر ده‌تا ده‌تا پس می‌گیرم.

اگر می‌بینی آنانی که تا دیروز اسدبگی را عزیز دردانه می‌کردند امروز با اشاره انگشت دستگیرش می‌کنند، چون او را عددی نمی‌بینند که حفظش به بهای منفعت کل طبقة حاکم تمام شود. اما حتی این دستگیری هم از تبعات جنگ کارگران بوده و نه از سر اراده بالایی‌ها به «عدالت و انصاف».

اگر استقلال از کارفرما و دولت و بخش خصوصی اصل اول مبارزه کارگری در هفت‌تپه بود، در این جنگ بزرگتر هم استقلال از قدرت و تمام جناح‌هایش همان اصل اول است. وگرنه گرگ‌ها آمده بلعیدن تو هستند تا این اعتمادبه‌نفسی را که با نیروی «جمعی» حاصل شد، با خرد کردن و بدنام کردن شخص تو بشکنند. کما اینکه از دیشب تا به حال دو کارزار را برایت راه‌انداخته‌اند: هم مصادره و تحبیب؛ هم تخطئه و تخریب.

این نامه را درست در چهارمین سالگرد قتل شاهرخ زمانی در زندان رجایی شهر به تو روانه میکنیم تا همین مناسبت به تو یادآوری کند که ابراهیم رئیسی‌ها، از چه جنس آدمکشان ضدکارگری هستند. اگر شاهرخ را با حذف فیزیکی کشتند، اسماعیل را میتوانند با بی‌اعتبارسازی و کشاندنش به بازی‌های جناحی بکشند.

البته این را هم می‌دانیم که فضای زندان مناسبات خاص خودش را دارد. کم نیستند زندانیانی با دیدگاه‌های سیاسی متعارض و گوناگون که به اسم «اتحاد» و «تاکتیک»، با نامه‌نگاری و امضا و استدلالات حقوقی و با «من بمیرم-تو بمیری»‌ها و تعارف، دست فرد را در پوست گردو می‌گذارند تا چیزی نوشته شود که انعکاسی از میانگین همه نظرات آن‌ها بر روی کاغذ باشد. اما مبارزه طبقاتی، تعارف و «رودربایستی» نمی‌شناسد. در اصول، جای نرمش نیست.

اینجا برای ما نه اصل نامه نگاری با مقامات، که محتوای این نامه‌نگاری محل نقد است. چرا که پیش‌تر سوابق درخشان تو در انتشار نامه‌های سرگشاده به «رئیس اداره اطلاعات شوش» و «رئیس دادگستری شوش» و «وزیر اطلاعات» موجود است. لحن افشاگرانه و موضع آشتی‌ناپذیر تو کاری کرد که کلمات اسماعیل، کلمات یک جنبش شود. به همین خاطرست که امضای تو، بعد از آن رأی اعتمادی که ۹ ماه پیش از کارگر و دانشجو به سویت سرازیر شد، دیگر برای خودت نیست؛ بلکه برای جنبشی است که پشت تو ایستاده؛ و ما موظفیم آن چشمان دوخته از پشت دیوار زندان را به تو یادآوری کنیم. به تو یادآوری کنیم که تو متعلق و برآمده از یک جنبش هستی، پس نمی‌توانی در تصمیم‌گیری‌ها و محاسبات سیاسی‌ات «فردی» عمل کنی.

برای ما دفاع از میراث همان جنبشی که امروز به خاطرش هزینه‌های سنگین می‌دهی مهم است؛ ولو این دفاع در گروی نقد به کلمات خودت باشد.

سخن راندن از ترمیم «اعتماد از دست رفته» خطاب به ابراهیم رئیسی، عقبگرد از مواضعی است که ۲ سال قبلتر در دفاع از جنبش دی‌ماه جسورانه فریاد زدی و به فاصله چند ساعت بعد از آن سخنرانی هم زیر تیغ قمه و پنجه بوکس رفتی. جنبشی که شعارش «تمومه ماجرا» بود و تو با جسارتت در دفاع از آن ایستادی و نمادی شدی از همین جنبش. ما موظفیم از این میراث دفاع کنیم و از تو بخواهیم که از این میراث دفاع کنی و فراموش نکنی چشم بسیاری به توست.

از طرف حامیان و دوستانت - کمیته عمل سازمانده کارگری - ۲۲ شهریور ۹۸

\* مرجع انتشار نامه اسماعیل بخشی:

<http://www.ensafnews.com/190142/استقبال-۳-زندانی-اوین-از-موضع-رییس-قوه-ق/190142>

*\*\* رونوشت به رفقای سوسیالیست: بارها گفته‌ایم باید ترسید از دگم‌اندیشانی که نبرد طبقاتی را با آیین پرستش در خانقاه اشتباه می‌گیرند و سختی‌ها و فراز و فرودهای یک مبارزه طولانی را نمی‌بینند، در عوض به دنبال قهرمانانی هستند که از آسمان بیافتند و نجات‌شان دهند. به همین خاطر نمی‌بینند و نمی‌خواهند ببینند که یک کارگر پیشرو چون در عمل مبارزه ساخته می‌شود، بنا به طبیعت این مبارزه، هم آزمون و خطا می‌کند و هم زیگزاک می‌زند. این زیگزاک تاحدی قابل پیش‌بینی و طبیعی است؛ اما آنچه طبیعی نیست، سکوت آنانی است که از یک طرف هم وظایف یک حزب انقلابی سوسیالیستی را از یک کارگر پیشتاز منفرد انتظار دارند، هم از طرف دیگر از ادای کمترین وظایف سیاسی و طبقاتی خودشان (یعنی نقد) صرف نظر می‌کنند.*

*مسئله برای ما ساده است: در جریان مبارزه عملی همان قدر که باید از کارگران پیشرو حمایت کرد، به همان اندازه هم باید به موقعش به آنان فشار آورد و نقدشان کرد. ادای یکی بدون دیگری خطاست.*

*نه باید با اولین زیگزاک کسی را تخطئه کرد و کارنامه‌اش را زیر سوال برد و نه باید بالکل سیاست سکوت پیشه کرد. نقد کردن در عین تداوم حمایت و فرصت دادن به کارگران پیشتاز وظیفه ماست.*

*به همین خاطر ما از تمام رفقای که فعالانه در ۹ ماه اخیر جزو حامیان ثابت اسماعیل بخشی بودند درخواست می‌کنیم که مخاطرات و تعدد جریاناتی را که در کمین و طمع مصادره مبارزات کارگری هستند به اسماعیل گوشزد کنند و این پیام را به گوش او برسانند که آنچه اسماعیل را به جایگاه و اعتبار بی‌سابقه امروزش در جنبش کارگری ایران رسانده، تأکید آشتی‌ناپذیرش بر استقلال طبقاتی تا این نقطه بوده و بس.*

**کمیته عمل سازمانده کارگری**

ریاست محترم قوه قضاییه، جناب آقای ریسی

با سلام؛ احتراماً موضع اخیر جنابعالی مبنی بر حذف نگاه امنیتی و قضایی درباره‌ی اعتراضات صنفی و تجمعات کارگری و تأکید بر تفاوت بین مفسدین اقتصادی با اقشار زحمتکش و مطالبه‌گر؛ چنانچه از حد شعار فراتر رود و به سیاست اصلی مسوولان قضایی تبدیل شود، می‌تواند نوید دهنده‌ی آغاز تحولی مثبت در این قوه قلمداد شود.

و بدیهی است که اگر رویکرد عالی‌ترین مقام قضایی کشور به دیگر گروه‌های اجتماعی از جمله معلمان، و کلا، اصحاب رسانه، فعالان محیط زیست، زنان، دانشگاهیان و پژوهشگران و به طور کلی همه‌ی کنشگران عرصه‌های اجتماعی تعمیم و تسری یابد و اینگونه این اندیشه و نگاه در عملکرد و رویکرد سایر دستگاه‌ها نیز نهادینه شود؛ می‌توان دوره‌ی ریاست شما بر این دستگاه را در مسیر عدالت و انصاف تصور کرد.

لذا اینجانبان ضمن استقبال از موضع اخیر شما تقاضا داریم که تا عمل به این ادعا نسبت به اصلاح رویه‌ی غلط گذشته و بهبود شرایط موجود و در جهت رفع بی‌اعتمادی، اقداماتی شایسته انجام دهید. چرا که اعتماد از دست رفته جز با عمل به وعده‌ها و شعارها ترمیم نخواهد شد.

مسئولیت انتشار و عمومی کردن این نامه بر عهده‌ی هر سه امضا کننده است.

آقایان اسماعیل بخشی، محمود بهشتی لنگرودی و امیر سالار داوودی این نامه خطاب به رییس محترم قوه قضاییه را در تاریخ ۲۰ شهریور ۹۸ امضا کردند و استدعا دارند تا در رسانه‌ی مربوطه منتشر شود.